

شرطیت اذن زوج در فعالیت‌های سیاسی زوجه از دیدگاه امامیه و حنفیه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰

رقیه جاویدی^۱، محمدرضا احمدی^۲، سید کاظم مصطفوی نیا^۳

پژوهش حاضر با هدف بررسی شرطیت اذن زوج در فعالیت‌های سیاسی زوجه از دیدگاه امامیه و حنفیه به صورت کتابخانه‌ایی و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شد. چون خانواده بنیادی‌ترین نهاد جامعه است، خدای متعال به روابط همسران توجه ویژه‌ای دارد و دستورات و مقررات خاصی را بر اساس رأفت و رحمت بر روابط آنها وضع کرده است. از جمله این دستورات، قراردادن مرد در جایگاه مدیر و سرپرست خانواده است که لازمه این سرپرستی، لزوم هماهنگی زوجه با زوج برای انجام فعالیت‌هایش است و شارع مقدس این امر را با وضع شرطیت اذن زوج در فعالیت‌های زوجه محقق کرده است. بر این اساس، فعالیت‌های سیاسی زنان در قلمرو شرطیت اجازه شوهران قرار می‌گیرد که برای بررسی نظرات فقهای امامیه و حنفیه در این باره می‌توان به موضوع خروج زن از منزل و اشتغال زن مراجعه کرد و دیدگاه آنها را به دست آورد؛ بدین صورت که در بحث خروج زن از منزل، مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی کشور و در مورد اشتغال زن، دستیابی به مناصب سیاسی قابل طرح است.

واژگان کلیدی: فعالیت‌های سیاسی زنان، شرط اذن زوج، فقهای امامیه،

فقهای حنفیه.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Roghayeh_javidi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

Email: Ahmadi_mr53@yahoo.com

۳. هیئت علمی گروه حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (ع) قم، قم، ایران.

۱. مقدمه

زنان از دیرباز در امور سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دینی همپای مردان، مشارکت داشته‌اند. هر مسلمانی، اعم از مردان یا زنان باید در امورات خود شرع مقدس را نیز در نظر گیرند. با توجه به آیه شریفه ۳۴ سوره نساء، زنان باید در امورات خود تابع شوهران خود باشند و از آنها اجازه و اذن داشته باشند. اینکه قلمرو تبعیت زن از شوهرش و یا به عبارتی، قلمرو قوامیت مرد چه مقدار است، بحث و بررسی‌های فراوانی شده است. فقهای امامیه و حنفیه برای بررسی قوامیت شوهر بر همسرش به این آیه استناد کرده‌اند. قلمرو مصداقی این آیه موارد فراوانی، مانند استمتاع، حق اسکان، خروج زن از منزل، اشتغال، تصرفات مالی و تعهدات شرعی زوجه (مانند قسم خوردن و نذر کردن)، عبادات زوجه (مانند روزه، حج و اعتکاف) و امور مباح را در برمی‌گیرد، اما موضوع پژوهش حاضر، فعالیت سیاسی زن در بردارنده دو بحث خروج زن از منزل و اشتغال به کار است. در بحث خروج زن از منزل، مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی کشور، مانند شرکت در سخنرانی‌های مقامات، مسئولان و کاندیداها، حضور در انتخابات و رأی دادن و شرکت در راهپیمایی‌ها و نماز جمعه مطرح است. اما در مورد اشتغال زن در خارج از منزل، بحث به دو صورت آزاد، مانند شرکت زنان در احزاب یا کانون‌ها و نهادهای تبلیغاتی کاندیداها و نیز کار قراردادی، مانند شرکت در مناصب و پست‌های سیاسی قابل طرح است.

براین اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این بود که شرطیت اذن شوهر در فعالیت‌های سیاسی زن از دیدگاه امامیه و حنفیه چیست؟ همچنین این پرسش‌ها بررسی شد که آیا اذن زوج برای فعالیت‌های عبادی-سیاسی، مانند شرکت در نماز جمعه شرط است؟ آیا اذن شوهر برای شرکت زن در صحنه‌های سیاسی کشور و حضور در آنها ملاک است؟ آیا رأی دادن زن و شرکت در احزاب و راهپیمایی‌ها در مواقع عادی یا حتی حساس و بحرانی کشور به اجازه شوهر وابسته است؟ آیا اشتغال زن در مناصب سیاسی به اجازه شوهر نیاز دارد؟ آیا اگر زن قبل از ازدواج، وارد پست یا مقام سیاسی شده باشد، برای ادامه کارش، اذن شوهر لازم است؟ فرضیه پژوهش این است که شرطیت اذن زوج محقق است و زنان بدون اجازه شوهرانشان نمی‌توانند فعالیت سیاسی داشته باشند و یا از منزل برای شرکت در امور سیاسی

و یا اشتغال در مناصب سیاسی خارج شوند.

۲. بررسی شرطیت اذن زوج

فقه‌های امامیه و علمای حنفیه به طور مستقیم به اذن زوج در فعالیت‌های سیاسی زن پرداخته‌اند، اما به واسطه توضیحات و حکم‌های فقهی، به ویژه در بحث‌هایی که حول آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» و قوامیت مرد شده است، می‌توان این بحث را از استدلالات آنها برداشت و تحلیل کرد. بزرگان و مفسران شیعه و اهل سنت، برداشت‌ها و ترجمه‌های مختلفی از آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» ارائه کرده‌اند. نقطه مشترک نظرات مفسران بزرگ شیعه درباره «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» این است که «مردان، سرپرست، کارگزار مدبر، قیّم و قوّم زنان هستند» (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴/۴، ۳۴۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰/۳، ۳۷۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳، ۳۴/۱۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴/۲، ۳۱۵؛ قرشی، ۱۳۷۷/۲، ۲۵۵؛ بانو امین، ۱۳۸۹/۴، ۶۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۶/۵، ۳۴۸؛ طیب، ۱۳۷۸، ۷۲/۴؛ شبیر، ۱۳۹۳/۱، ۱۱۴؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۱/۳، ۱۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲/۳، ۶۸؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳/۱، ۴۴۸). همچنین بیشتر مفسران بزرگ حنفیه در برداشت از این آیه، متفق القول هستند که «قَوَّامُونَ» به این معناست: «شأنهم القيام علیهنّ بالأمر والنهی قیام الولاة علی الرعیة؛ شأن شوهران قیام کردن بر زنان است با امر و نهی کردن؛ همان طوری که فرمانروایان بر رعیت با امر و نهی قیام می‌کنند» (رک: ابوالسعود، ۱۴۱۹/۱، ۲۲۲؛ کاشانی، ۱۴۱۰/۱، ۲۵۶؛ زمخشری، ۱۳۷۳/۱، ۵۵؛ آلوسی، ۱۴۲۰/۳، ۲۲). همان‌طور که ملاحظه می‌شود مفسران از کلمه «قَوَّامُونَ»، نوعی ولایت، سلطنت و سرپرستی بر زنان و متکفل شدن امورات آنها را برداشت کرده‌اند.

در بحث شرطیت اذن زوج، بحث و جدل‌های زیادی صورت گرفته است؛ اینکه اذن زوج نسبت به تمام روابط دو طرف و هر آنچه مرد اراده کند، اطلاق دارد یا مقید به محدوده خاصی است؟ و اگر مقید است، محدوده آن چیست و قلمرو آن کجاست؟ آیا شرطیت اذن مرد در قلمرو فعالیت‌های سیاسی زن نیز حاکم است و در این امور زن باید اذن شوهر داشته باشد یا زن یک شهروند مستقل و تابع حکومت و امر حاکم قرار می‌گیرد؟ امورات سیاسی زن و فعالیت‌های او و اشتراط اذن زوج را می‌توان از دو دسته از بحث‌های فقها پیرامون آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» برداشت کرد: نخست، بحث خروج زن از منزل و

دیگری، بحث اشتغال زن.

۱-۲. بررسی شریطیت اذن شوهر در مسئله خروج زن از منزل

۱-۱-۲. دیدگاه امامیه

برخی ادعا می‌کنند که «کسب اجازه زن از شوهر برای خروج از خانه، جنبه تصریحی و آمرانه ندارد، بلکه ارشادی و غیر مستقیم است». به نظر فقهای امامیه، خروج زن از خانه چهار فرض دارد: (رحمانی، ۱۳۹۱)

اول) خروج قهرآمیز و ترک زندگی و خانه و محل سکونت، با حالت نافرمانی از زوج؛ دوم) خروجی که مانع استمتاع شوهر باشد و با اینکه شوهر قصد استمتاع دارد، از دسترس او دور شود؛

سوم) خروج برای انجام اموری که بر او واجب شرعی است و لازمه آن، بیرون رفتن از خانه است؛

چهارم) خروج برای انجام امور مستحب یا مباح، بدون آنکه نافرمانی از زوج یا منافی از استمتاع بالفعل و خارجی او باشد.

فرض سوم و چهارم، می‌تواند در حوزه فعالیت سیاسی زن قرار گیرد. برای مثال، در فرض سوم، آیا زن می‌تواند برای شرکت در راهپیمایی یا رأی دادن (که شأن و حیثیت نظام اسلامی در گرو حضور گسترده و عظیم همه مردم است و ولی امر مسلمین دستور به شرکت آحاد مردم در آن را داده است)، در صورت مخالفت شوهر برای شرکت در این امور، بدون اذن او به دلیل واجب بودن آن، شرکت کند؟ یا در فرض چهارم، آیا زن می‌تواند در شرایط عادی کشور برای شرکت در راهپیمایی یا رأی دادن یا امور سیاسی دیگر، مانند شرکت در سخنرانی‌ها یا جلسات سیاسی شخصیت‌ها یا مقامات سیاسی یا کاندیداها یا احزاب و غیره بدون اذن شوهر از منزل خارج شود؟

خروج در فرض اول، بدون شک حرام است؛ چرا که مصداق روشن عصیان بر زوج و نشوز است و مشخص است که اطاعت زن از شوهر در این فرض معنا ندارد. خروج در فرض دوم، مخالف تمکین واجب بر زوجه است و بدون اذن زوج و احراز رضایت او جایز نیست. اختلافی

هم در این باره وجود ندارد؛ چراکه انجام هر کاری که منافی اراده استمتاع و ممانعت از اجابت درخواست زوجه باشد، اجماعاً خلاف تکلیف زوجه به تمکین است. (رحمانی، ۱۳۹۱)

خروج در فرض سوم، واجب است، حتی اگر زوج نهی کند یا منافی استمتاع او باشد؛ مثل بیرون رفتن برای انجام غسل واجب در صورتی که انجام آن در خانه ممکن نیست یا رفتن به سفر حج واجب. فرض چهارم یعنی، بیرون رفتن از منزل برای انجام اموری مثل زیارت، صله رحم استحبابی، شرکت در نماز جماعت یا تفریح و سرگرمی و مهمانی و این قبیل امور، در صورتی که منافی اراده استمتاع زوج نباشد، محل بحث و مورد اختلاف است. (رحمانی، ۱۳۹۱)

مشهور فقها، از جمله صاحب جواهر آن را بدون اذن و رضایت زوج جایز نمی دانند و این را حقی مستقل در عرض حق استمتاع می شمارد (نجفی، ۱۳۷۴/۳۱، ۳۱۴). شیخ طوسی نیز در این باره می فرماید:

مرد حق دارد زن خود را از بیرون رفتن منع کند؛ زیرا شوهر در تمام شبانه روز مستحق بهره‌وری از زن است و چون این حق را دارد، مرد می تواند همسرش را از همراهی جنازه پدر، مادر و فرزندش جلوگیری کند؛ زیرا اطاعت شوهر واجب است و حضور در این مراسم مباح است یا استحباب دارد و امر واجب بر آنها مقدم است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۸/۴، ۳۳۱)

صاحب الحدائق الناضره نیز بر همین باور است: «دلیلی نداریم که مستحب باشد که شوهر به زن اذن دهد تا در مراسم های یاد شده شرکت کند». (بحرانی، ۱۳۹۱، ۶۱۱/۲۴) از دیدگاه امام خمینی علیه السلام در تحریر الوسیله، هر یک از زن و شوهر حقی بر دیگری دارد که باید به آن عمل کند، گرچه حق شوهر عظیم تر است. از جمله حقوق مرد آن است که زن از او اطاعت کرده، نافرمانی نکند، از خانه اش بدون اجازه شوهر خارج نشود ولو برای زیارت یا عیادت پدر و بستگانش، حتی در مراسم عزای آنان بدون اذن شرکت نکند و اگر زن از خانه بدون اجازه شوهر خارج شود، ناشزه است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹/۲، ۳۰۳-۳۰۵). بنابراین، اذن زوج برای خروج زن از منزل به دلیل حق استمتاع شوهر که با عقد ازدواج از آن بهره مند می شود، شرطیت دارد و زن نمی تواند بدون اجازه همسرش از منزل برای انجام هر گونه اموری، از جمله امور و فعالیت های سیاسی خارج شود. البته برخی از علما نیز بیان می دارند که هرگاه منع شوهر

برای استیفای حقوق خود همچون استمتاع باشد یا از پشتوانه تدبیری و مصلحت سنجی برخوردار باشد، نافذ است، ولی اگر رویه‌ای غیر عقلایی و زورگویانه محسوب شود و هیچ مصلحتی برای زوجه یا زوج یا فرزندان در آن وجود نداشته باشد از حدود قوامیت شوهر خارج است و وجوب اتباع ندارد (ر.ک: رحمانی، ۱۳۹۱).

بنابراین، زن برای خروج از منزل برای کارهای واجبی که حکم اولی دارد، اجازه شوهر لازم ندارند، اما برای کارهای مستحبی نیاز به اذن زوج هست. از طرف دیگر، شرکت در امور سیاسی مانند شرکت در انتخابات یا راهپیمایی و غیره در شرایط معمولی کشور، جزء امور مستحبی برای زن است و اذن زوج لازم و واجب است، اما در شرایط بحرانی کشور که نیاز به حضور حداکثری مردم در صحنه‌های سیاسی است و یا در شرایط حساس که ولی امر مسلمین دستور به شرکت آحاد مردم داده است، باز هم چون این واجب، جزء حکم ثانوی قرار می‌گیرد، اجازه شوهر لازم است. در نتیجه، زن نمی‌تواند در صورت مخالف شوهر هم در فرض سوم و هم در فرض چهارم از منزل برای شرکت در فعالیت‌ها و امور سیاسی خارج شود و اذن شوهر برای شرکت در این امور واجب است.

علامه مجلسی روایتی نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرموده است:

یا علی! لیس علی النساء جمعه ولا جماعه ... ولا تخرج من بیت زوجها الا باذنه فان خرجت بغیر اذنه لعننا الله عز و جل و جبرئیل و میکائیل.
ای علی! بر زنان نماز جمعه و جماعت الزامی نیست... و نباید از خانه شوهر بدون اذن خارج شود، اگر چنین کند خدا و جبرئیل و میکائیل او را لعن کنند. (مجلسی، ۱۳۷۹، ۱۴/۱۵۵)

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است:

و نهی ان تخرج المراه من بیتها بغیر اذن زوجها فان خرجت لعننا کل ملک فی السماء و کل شیء تمر علیه من الجن و الانس حتی ترجع الی بیتها.
پیامبر از بیرون رفتن زن بدون اجازه شوهر منع کرد، اما اگر زن چنین کند، تمام فرشتگان آسمان و هر جن و انسی که براو گذر کند، او را نفرین کند تا به خانه برگردد. (مجلسی، ۱۳۷۹، ۱۴/۱۵۴)

بنابراین، با توجه به اینکه شرکت زنان در نماز جمعه و نماز جماعت که علاوه بر رویکرد

عبادی آن، رویکرد سیاسی نیز دارد و نیز شرکت حداکثری مسلمانان، سبب عزت اسلام و حکومت اسلامی می‌شود؛ با این حال، مشروط به اذن شوهر دانسته شده است؛ پس می‌توان استنباط کرد که زنان برای شرکت در امور سیاسی که منوط به خروج آنان از منزل است، باید از همسر خود اجازه بگیرند. البته همان طور که بیان شد، برخی از فقها، روند عقلایی و غیرزورگویانه شوهر در این امور را نیز شرط دانسته‌اند، اما براساس فقه امام خمینی علیه السلام، اول اینکه فقه‌السیاسات از زمره احکام اولی محسوب می‌شود و دوم اینکه در صورت تعارض میان آنها و احکام اولی دیگر، حفظ نظام از اوجب واجبات است. در این صورت، به نظر می‌رسد که طبق نظر امام خمینی علیه السلام، حکم به خروج زن از منزل، اقرب است. (رک: موسوی خمینی، ۱۳۷۹/۲، ۲۲۸)

نکته قابل توجه آنکه نظر آیت الله خویی در اینجا مخالف با مشهور فقهاست. آیت الله خویی، خروج زن از منزل را امری در طول حق استمتاع می‌داند و لزوم تحصیل رضایت زوج را مختص مواردی می‌داند که خروج با اراده استمتاع زوج منافات دارد. (رک: خویی، ۱۴۱۷، ۲۰/۱۰۰؛ خویی، ۱۴۱۰/۲۰، ۲۸۹). بنابراین، بنا بر نظر ایشان، زن برای کارهای مستحبی، در صورتی که عنوان نشوز بر آن اطلاق نشود و یا با حق استمتاع شوهر منافات نداشته باشد، می‌تواند بدون اذن شوهر از منزل خارج شود. از این رو، اگر شرکت در انتخابات و رأی دادن و غیره را جزء امور مستحبی قرار گیرد، با رعایت شرایط فوق، زن می‌تواند بدون اجازه شره از منزل خارج شود. از طرف دیگر، برخی از فقهای متأخر، شرط‌هایی را در این باره قرار داده‌اند. برای مثال، آیت الله مکارم شیرازی، برای خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر، شرط «هدف ضروری» را در استفتائات خود مطرح کرده است: «زن بدون رضایت شوهر نمی‌تواند برای فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از منزل خارج شود؛ مگر در صورتی که برای یک هدف مادی یا معنوی ضروری خارج شود که اشکال ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴). همچنین فاضل لنکرانی، شرکت زن در انتخابات را جزء امور واجب عینی دانسته و خروج زن از منزل برای شرکت در انتخابات را بدون اذن شوهر جایز می‌داند:

براساس منابع فقهی لازم است زوجه در عقد دائم، برای خروج از منزل رضایت زوج را جلب کند، اما خروج برای انجام واجبات عینی که موقوف بر خروج از منزل

است، مانند سفر حج، شرکت در انتخابات و یا نجات نفس محترمه از این قانون کلی استثنای شده است. (سایت پاسخ به سؤالات فقه و معارف اسلامی جامعه الزهراء علیها السلام، ۱۳۹۵)

۲-۱-۲. دیدگاه حنفیه

در کتب حنفی درباره خروج زوجه از منزل بسیار بحث شده و عنوان حق حبس زیاد به کار رفته است. علمای حنفی حتی برای خروج زنی که ازدواج نکرده نیز شرایط خاصی قرار می دهند. ایشان با استناد به روایات زیادی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مسافرت زن، حتی برای رفتن به حج را بدون محرم صحیح نمی دانند و آن را حرام می شمارند و چنین زنی را «محصره» می نامند. از جمله این روایات که در کتاب های حنفی، مانند *الفقه الحنفی* آمده، عبارت است از:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «لا تسافر المرأة ثلاثة أيام إلا مع ذی محرم؛ زن به مسافرت سه روزه نرود، مگر به همراه محرم» (بخاری، ۱۳۸۹، ۲/۳۵)؛ «جایز نیست برای زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به مسافرت یک روزه برود؛ در حالی که با او محرمی نیست» (بخاری، ۱۳۸۹، ۲/۳۵)؛ «زنی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، مسافرت بالای سه روز نمی رود، مگر پدرش، همسرش، پسرش، برادرش یا محرمی با او باشد» (القشیری النیسابوری، ۱۴۱۸، ۴/۱۰۳).

درباره زن شوهردار نیز بحث های زیادی در کتاب های حنفی آمده است. در کتاب *الفقه علی المذاهب الأربعة* در بحث نفقه، علت شروط گوناگون حق نفقه زوجه را حق حبس زوجه در منزل شوهر بالفعل یا بالقوه می داند. به نظر مؤلف این کتاب، شرط وجوب نفقه در دیدگاه حنفیه دخول یا تمکین زوجه نیست و تنها مجوز برای امتناع زوجه از استمتاع، دریافت نکردن مهریه اش است و زن نباید بدون اذن زوج از منزل خارج شود. به اعتقاد ایشان، حتی شروط وجوب نفقه زوجه، نبود مانع برای وطیء زوجه یا بالغ نبودن زوج نیست. (الجزیری، و همکاران، ۱۴۱۹، ۴/۶۷۲)

کاشانی در *البدایع الصنایع* در بحث احکام نکاح و ثبوت قیومیت شوهر، به مالکیت حبس زن اشاره می کند و آن را ممنوع شدن زن از خروج از منزل معنا می کند و برای این امر از آیات قرآن شاهد می آورد. به نظری، امر به اسکان دادن زن در منزل، نهی از خروج زن را نیز اقتضاء می کند؛ چون امر به فعل مقتضی نهی از ضد آن است و علت آن نیز جلوگیری

از اختلال نسب و آرامش قلب مرد است. (کاشانی، ۱۳۸۷، ۲/۱۳۱) همچنین ایشان در بحث نفقه، سبب وجوب نفقه زن را وجود حق الحبس که برای شوهر ثابت است، به سبب نکاح می‌داند (کاشانی، ۱۳۸۷، ۴/۱۶) و معتقد است که نفقه به زن ناشزه تعلق نمی‌گیرد؛ زیرا زن ناشزه نفس خودش را تسلیم شوهر نمی‌کند و امتناع از استمتاع شوهر، خارج شدن زوجه بدون اذن شوهر از منزل و به مسافرت رفتن از موارد نشوز زن است. البته ایشان قائل است که اگر زوجه در منزل شوهر باشد و فقط از استمتاع زوج خودداری کند، نفقه به وی تعلق می‌گیرد؛ زیرا زن در این حالت محبوس به حق شوهر و وی از او منتفع است و معنای تسلیم در این حالت حاصل شده است (کاشانی، ۱۳۸۷، ۴/۲۲).

از دیدگاه مؤلف *البحر الرائق* نیز به زن ناشزه نفقه ای تعلق نمی‌گیرد. به نظر وی، ناشزه از نظر لغوی زنی است که عصیان و سرپیچی زوج می‌کند و با او در غضب است و نشوز به معنای گردنکشی کردن زن بر زوجش است. بنابراین، ناشزه زنی است که از منزل شوهر خارج می‌شود و نفس خودش را از شوهر منع می‌کند و جلوی استمتاع مرد را می‌گیرد. (المصری، ۱۴۱۸، ۳/۳۰۳) همچنین سمرقندی نیز سبب وجوب نفقه را استحقاق حبس کردن زن توسط زوج می‌داند (السمرقندی، ۱۴۱۴، ۲/۱۵۷). ابن عابدین در *تکمله حاشیه ردالمحتار*، زنی را که بدون اذن شوهر از منزل خارج شود، ناشزه می‌شمارد (ابن عابدین، ۱۴۱۵، ۱/۳۲۵).

طهماز در *الفقه الحنفی*، از جمله موارد اطاعت زن، خارج نشدن او بدون اذن زوج از منزل می‌داند؛ زیرا وقتی شوهر پس از اتمام کارش به منزل می‌آید و همسرش را نمی‌بیند، باعث کدورت و نفرت او از زنش می‌شود. بنابراین، بر زن واجب است که برای رعایت حق شوهرش در خانه بماند و این حق واجب تر از حق دیگران بر گردن زن است. طهماز از احمد بن حنبل نقل می‌کند که اگر حتی مادر زوجه مریض باشد، اطاعت شوهر واجب تر است، مگر اینکه زوج به او اجازه بدهد که به دیدن مادرش برود. (طهماز، ۱۴۳۰، ۲/۱۳۶) از دیدگاه حنفیه، یک مورد استثنا درباره مسافرت زن بدون محرم وجود دارد و آن اینکه اگر زنی در سرزمین کفار حربی مسلمان شود، می‌تواند بدون محرم از آنجا به سرزمین مسلمان مسافرت کند. (سرخسی، ۱۴۱۴، ۴/۱۱۰)

این مسافرت از دار کفر، حتی در بعضی از کتاب‌های حنفیه واجب شمرده شده است

(ابن عابدین، ۱۴۱۵ الف، ۱/۶۰۰). بنابراین، علمای حنفی درباره اذن شوهر در امور واجب و مستحبی، تفاوتی قائل نمی‌شوند و در هر دو قلمرو، اذن شوهر را لازم دانسته‌اند. حتی رفتن زن به حج را منوط دو امر اذن شوهر و همراه داشتن محرم دانسته‌اند که حتی اگر شوهر اجازه دهد، ولی محرمی همراه او نباشد، نباید به این سفر واجب برود و رفتن او را حرام می‌دانند. به این ترتیب، شرکت زن در امور سیاسی با هر اسم و عنوانی و به هر صورتی، نیاز به اذن شوهر دارد، به ویژه که لازمه شرکت در این امور، خارج شدن زن از منزل است.

۲-۲. بررسی شرطیت اذن شوهر در مسئله اشتغال به کار زن

۲-۲-۱. دیدگاه امامیه

اشتغال از ابتدای زندگی اجتماعی بشر مورد توجه بوده است و فعالیت اقتصادی و سیاسی زنان همراه مردان قدمتی به اندازه عمر بشر دارد. زن از زمان‌های قدیم تا به امروز غیر از خانه داری، در امور مختلف کشاورزی، گله داری، صنایع دستی و حتی امور سیاسی و نظامی دوش به دوش مردان مشغول فعالیت بوده است. اشتغال در مفهوم جدید آن که فعالیت اقتصادی دارای مزد و در ساعات معین و در خارج از محیط خانه است، بیشتر محصول جهان صنعتی و جایگزین شدن کار در کارخانه، ادارات و مناصب دولتی، به جای فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری است که در کنار خانه و در ساعات انعطاف پذیر انجام می‌گرفت. (رهبر، ۱۳۸۸) اشتغال به کار برای بانوان چه قبل از ازدواج و چه پس از آن، منع ذاتی ندارد. در اسلام نه تنها فعالیت اقتصادی جایز شمرده شده و به زنان و مردان برای اکتساب و مال و تحصیل درآمد اجازه داده شده است، بلکه همگان به این امر دعوت و به حضور فعال در صحنه اقتصاد تشویق شده‌اند: «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه: ۱۰) و یا عموم مردم را دعوت به آبادانی کرده است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱). (هادوی تهرانی، ۱۳۷۶) همچنین انجام هر کار مشروع به قصد کسب مال، چه به صورت آزاد و چه با عقد قرارداد با دیگری و التزام به انجام آن فی حد نفسه مباح است.

۲-۲-۱. اشتغال به کار در داخل منزل

گاهی زنان در محل سکونت خود کاری دست پا می‌کنند و درآمد دارند، مانند قالببافی،

خیاطی و گلدوزی. این گونه اشتغال‌ها با قطع نظر از اینکه به تصرف در مال شوهر بینجامد، نیازی به موافقت شوهر ندارد، مشروط بر آنکه با حقوق شوهر و تکالیف زن نسبت به او یا فرزندان منافات نداشته باشد و از منظر عرف برای مرد عار و ننگ محسوب نشود؛ یعنی خود عمل یا چگونگی انجام و اعلام آن خلاف شئون مرد نباشد؛ زیرا حفظ آبرو، یکی از بارزترین مصادیق معاشرت به معروف است که بر هر یک از زوجین واجب است. ضابطه و ملاک این گونه امور این است که کار زن برای خود او یا شوهر و فرزندان و شئون خانوادگی مفسده‌ای نداشته باشد و به تزیین حقی نینجامد و عرف، نهی شوهر را بدون وجه و نوع برخورد او را غیر عقلایی (غیر معروف) نشمارد. این گونه رویه‌ها در دایره قوامیت زوج قرار نمی‌گیرد. (رحمانی، ۱۳۹۱)

مهم‌ترین مطلب درباره اشتغال زنان از منظر فقه جعفری، حفظ جایگاه و منزلت زن است. در هر جمعی، رئیس، حافظ مصالح آن جمع و مسئول این امر است. او می‌تواند عملی را به استناد به منافات عملی با مصالح جمع یا لزوم مفسده‌ای منع کند. حال اگر اشتغال همسر با مصالح خانواده یا افراد آن منافات داشته باشد یا مستلزم مفسده‌ای باشد، مرد در جایگاه رئیس خانواده می‌تواند از اشتغال زن جلوگیری کند. (هادوی تهرانی، ۱۳۷۶)

۲-۱-۲. اشتغال به کار در خارج منزل

همه فقیهانی که منع شوهر از بیرون رفتن زن از منزل را حقی مطلق و مستقل می‌شمارند، اشتغال به کار در خارج از منزل را از همین زاویه بررسی می‌کنند و آن را محتاج اذن شوهر می‌دانند. البته این جنبه از کار زن دو گونه است: ممکن است آزادانه و بدون تعهد الزامی و عقد قرارداد، کار انجام شود و یا ممکن است به صورت عقد قرارداد، باشد. (رحمانی، ۱۳۹۱)

اول، کار آزاد و غیر الزامی در خارج از منزل

کارهایی مثل طبابت در مطب شخصی، سخنرانی و مجلس وعظ، مداحی یا خیاطی و... که در آن خروج از منزل وجود دارد، مانند دیگر فعالیت‌های زن است که در چارچوب حق قوامیت شوهر قابل تحلیل است و اگر زن را از دسترس شوهر دور کند، موجب فوت استمتاع او شود، با حقوق فرزندان اصطکاک پیدا کند، ضرر و مفسده‌ای برای زوجه داشته باشد و یا مخالف شئون شوهر باشد، برای شوهر حق ممانعت ثابت است و زوجه باید اطاعت کند.

(رحمانی، ۱۳۹۱) بنابراین، ملاک کلی در بحث اشتغال زن، در داخل خانه (که خارج از بحث استلزامات سیاسی آیه است) و در کار آزاد غیر الزامی خارج از منزل، چند شرط است که عبارتند از: منافات با حق استمتاع شوهر نباشد؛ با حق شوهر یا تکالیف زن نسبت شوهر یا فرزندان منافات نداشته باشد؛ شأن، آبرو و حیثیت شوهر حفظ شود؛ جایگاه، منزلت و شأن خود زن حفظ شود و مستلزم مفسده‌ای برای زن نباشد.

براین اساس، شرکت در فعالیت‌های سیاسی که حالتی از کار آزاد است (مانند شرکت در احزاب یا پایگاه‌های انتخاباتی کاندیداها و دفاتر تبلیغاتی نامزدها) در صورت تنافی با حق شوهر و فرزندان و یا عدم حفظ شأن و آبروی خود یا شوهر، منوط به اذن شوهر است. در غیر این صورت، زن می‌تواند بدون اجازه شوهر در فعالیت‌های سیاسی که حالت کار آزاد دارد، شرکت کند و مشغول به کار شود.

دوم، عقد قرارداد کار خارج از منزل

عقد قرارداد با دیگری یا اجاره نفس به تعبیر فقهی، علاوه بر مسئله خروج از منزل این ویژگی را دارد که نوعی تصرف کلان در نفس و شأن زن است و منافع و فواید خدمتی زن را برای مدتی گاه طولانی و به صورت مستمر در اختیار دیگری قرار می‌دهد و آثار فراوانی بر زندگی زناشویی دارد. نگاهی به نوع و روش‌های زندگی زوجین شاغل در مقایسه با زندگی‌هایی که زوجه به کار موظفی و مستمر اشتغال ندارد، این واقعیت را نشان می‌دهد که در نوع دوم به چه میزان زنان بیشتر قادر به ایفای مطلوب وظایف زنانه هستند، کار بدنی یا به نوعی اداری و سیاسی در کنار تکالیف مذکور، علاوه بر تأثیرگذاری بر شادابی زنان، بر خانواده نیز مؤثر است و صلاح و فساد آن، نگاهی فراتر از مسئله حق استمتاع شوهر می‌طلبد.

فقها این مسئله را قطع نظر از حکم بیرون رفتن از منزل، از این نظر بررسی کرده‌اند که عقد قرارداد کار در برابر عقد ازدواج دائمی چه حکمی دارد و در دو فرض «تقدم قرارداد کار بر ازدواج» و «تأخر آن» مسئله را بررسی کرده‌اند. ضابطه بحث فقها در این بررسی منافات عقد قرارداد کار با حق استمتاع زوج است. بیشتر فقها عمل به قرارداد کار را در فرض تقدم آن بر ازدواج لازم الاجرا می‌دانند؛ زیرا معتقدند زنی که با این قرارداد و واگذاری خدمت به کارفرما، در ساعاتی از شبانه‌روز به عقد ازدواج کسی در می‌آید، در حین ازدواج فاقد

منفعت مذکور است و برای زوجه حقی بیش از آنچه زوجه واجد آن است، پیدا نمی شود و آن ساعات غیر کاری زوجه است. (رحمانی، ۱۳۹۱) صاحب العروة می فرماید: «هرگاه زن برای مدت معینی اجیر شود، سپس قبل از اتمام مدت اجاره اش ازدواج کند، اجاره اش باطل نمی شود، اگرچه منافی با استمتاع زوج باشد». (بزدی، ۱۳۸۰، ۲/۵۸۶) در فرض اقدام قرارداد کار پس از ازدواج، برخی فقها آن را در ساعات عدم اراده استمتاع توسط زوج و ساعاتی که شوهر غایب است (برای مثال خود در محل کار است و یا به مسافرت می رود)، صحیح می دانند، از جمله این فقها صاحب العروة الوثقی است. ایشان بیان می دارد: «مسألة اذا آجرت المرأة نفسها بدون إذن الزوج فيما ينافي حق الاستمتاع وقفت على إجازة الزوج بخلاف ما إذا لم يكن منافيا فإنها صحيحة وإذا اتفق إرادة الزوج للاستمتاع كشف عن فسادها» (بزدی، ۱۳۸۰، ۲/۵۹۴-۵۹۵).

نظر صاحب العروة در مسئله «استیجار المرأة للإرضاع» به خوبی مشخص است. از دیدگاه ایشان، هرگاه زن شوهرداری خودش را برای ارضاع (شیر دادن) اجاره دهد، اذن شوهر در صحیح بودن اجاره اش معتبر نیست، تا زمانی که منافی با حق شوهر نباشد؛ زیرا شیر برای شوهر نیست، پس شیر دادن زن بدون اجازه شوهرش جایز است و به همین دلیل است که برای زن، گرفتن اجرت شیر دادن به فرزند شوهر جایز است، چه این فرزند از خود زن باشد یا از غیر آن. البته اگر این شیر دادن با حق شوهر منافات داشته باشد، مگر با اجازه شوهر جایز نیست. اما اگر شوهر نبود (غایب بود) و زن خودش را برای شیر دادن بچه شخصی اجاره داد و شوهر در حین مدت اجاره حاضر شد و این اجاره به گونه ای بود که منافی حق شوهر بود، اجاره به نسبت بقیه مدت باطل می شود (بزدی، ۱۳۸۰، ۲/۵۹۶).

سید محمد رضا گلپایگانی در تعلیقه القواعد الفقهیه بیان می دارد که صحت قرارداد کار منوط به اذن شوهر است؛ زیرا حق استمتاع مطلق است و مقید به اراده نیست و اشتغالی که منافی استمتاع باشد، باید به اذن شوهر انجام شود، حتی اگر او اراده استمتاع فعلی نداشته باشد؛ زیرا زن سلطه ای بر تملیک افعال ضد استمتاع ندارد تا آن را به غیر واگذار کند. (بجنوردی، ۱۳۷۷)

امام خمینی رحمته الله علیه در تعلیقه ای که بر العروة نوشته است، بیان می دارد که همین مقدار که مورد اجاره طوری باشد که در معرض اراده استمتاع زوج باشد و احتمال اینکه زوج به

سراغ آورد، عقلایی باشد، در ممنوعیت قرارداد کار کافی است. منظور ایشان مواردی است که مانعی که از طرف مرد وجود دارد، ضعیف است و عقلا احتمال رفع آن را می‌دهند؛ مثل اینکه مغازه را رها کند و به خانه بیاید نه مثل راننده‌ای که شغلش سفرهای دور است. (بزدی، ۱۳۸۰)

بر این اساس، در بحث قرارداد کاری، اگر زن در منصب یا پست سیاسی قرار گیرد که منوط به بستن قرارداد کاری است، دو حالت پیدا می‌کند: اگر قبل از ازدواج، قرارداد کار سیاسی یا منصب سیاسی را امضا کند، از نظر بیشتر فقها بعد از ازدواج نیز عمل به قرارداد لازم است. از طرفی، مشخص است که مرد با اینکه می‌داند زن مشغول به کار است، با او ازدواج کرده است؛ پس کار کردن او را پذیرفته است. اما اگر بعد از ازدواج، زن بخواهد در شغل یا منصب سیاسی مشغول شود، باز نظرات فقها دو قسمت است؛ برخی به طور مطلق اجازه شوهر را شرط دانسته‌اند، اما برخی نیز در صورتی که کار زن منافی حق استمتاع شوهر نشود و یا در ساعاتی باشد که شوهر در منزل نیست، عمل به قرارداد را نیاز به اذن شوهر ندانسته‌اند.

۲-۲-۲. دیدگاه حنفیه

بیشتر فقهای اهل سنت با مطلق اشتغال زنان، چه در منصب سیاسی و چه غیر آن، مخالف هستند و با استناد به آیات و روایات متعدد که تسلط زنان بر مردان را مجاز نمی‌دانند و یا روایاتی که دستور به حبس زنان در خانه می‌دهند، به این مطلب استدلال می‌کنند. کاشانی از علمای بزرگ حنفیه می‌گوید: «از جمله حقوق مرد پس از ازدواج این است که زن در خانه بماند و کار نکند و تأمین نیازهای زن بر مرد است» (کاشانی، ۱۳۸۷، ۵/۸۳۶). به نقل از رهبر، ۱۳۸۸. سرخسی نیز در *المبسوط* می‌گوید: «آشکارا معلوم است که زنان نمی‌توانند کسب و کار کنند» (به نقل از رهبر، ۱۳۸۸).

حنفیه برای ممنوعیت کار و اشتغال زوجه از آیات قرآن به سه آیه استدلال می‌کنند:

اول) «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ؛ مردان سرپرست زنان هستند» (نساء: ۳۴)؛

دوم) «وَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ؛ و برای زنان بر عهده مردان حقوقی شایسته است، مانند حقوقی که برای مردان بر عهده آنهاست و برای مردان بر زنان برتری

است» (بقره: ۲۲۸)؛

سوم) «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ و در خانه هایتان بنشینید و آرام گیرید و مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خودآرایی نکنید» (احزاب: ۳۳).

روایات مورد استناد آنان نیز عبارت است از:

اول) پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «لَنْ يَفْلَحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمْرَهُمْ امْرَأَةٌ؛ هرگز رستگار نمی شوند قومی که زن را بر امور خودشان مسلط کنند» (نسائی، ۱۴۱۵، ۲۲۸/۸، بخاری، ۱۳۸۹، ۱۳۶/۵، ترمذی، ۱۴۲۱، ۳۶۰/۳).

دوم) پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «النساء عورة احبسوهن في البيوت؛ زنان ناموس هستند، آنها را در خانه ها حبس کنید» (ابن حنبل، ۱۴۱۹، ۳۶۷/۲).

سبب نفقه زن از نظر علمای حنفیه، حق حبس زوج است. برای مثال، کاشانی در *البدایع الصنائع*، بحث مالکیت حبس کردن زوجه را بیان می کند و آن را ممنوع شدن خروج زوجه از منزل و جلوی دیگران آشکار شدن است و دلیل آن را آیه «أَسْكَنْتَهُنَّ» می داند. به نظر وی، امر به اسکان زوجه، متلزم نهی از خروج و بروز است؛ زیرا امر به فعل، مقتضی نهی از ضد آن است. پس به استناد آیات «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» و «لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ» و به دلیل اختلال در نسب و اسکان، مالکیت حبس زوجه برای زوج است. (کاشانی، ۱۳۸۷، ۳۳۴/۲) وی در همین کتاب، علت وجوب نفقه زوجه، بعد از آیات، سنت پیامبر و اجماع، دلیل عقلی بیان می کند که براساس آن چون زن به علت حق شوهرش محبوس به حبس نکاح است و ممنوع از اکتساب و کار کردن و بیرون رفتن از منزل، پس باید شوهرش نفقه او را بپردازد و گرنه هلاک می شود. همان طور که نفقه قاضی را از بیت المال می دهند؛ زیرا او برای مردم محبوس است و از کار و کسب ممنوع است (کاشانی، ۱۳۸۷، ۱۵/۴).

البته برخی از علمای اهل سنت با وجود اینکه مخالف اشتغال زنان هستند و به حبس و پرده پوشی زن قائلند؛ بعضی از مشاغل را برای زنان جایز می شمارند. برای مثال، ابوحنیفه بیان می کند که زن در تمامی احکام می تواند قاضی باشد، مگر در حدود و قصاص. (ابن قدامه، ۳۸۱/۱۱، به نقل از رهبر، ۱۳۸۸) بنابراین، به نظر علمای حنفی، اگر حق حبس زوج و پرده پوشی، به گونه ای از بین برود (مثل اینکه زوجه به کار در خارج از منزل مشغول شود) این زن مستحق نفقه نیست؛ زیرا به حق شوهر لطمه وارد شده است. پس به طریق اولی، زن نمی تواند در



مناصب و پست‌های سیاسی مشغول به کار شود.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

دیدگاه و رأی فقهای امامیه و علمای حنفیه درباره اذن زوج در فعالیت‌های سیاسی زن را می‌توان به واسطه توضیحات و حکم‌های فقهی آنها، درباره قوامیت مردان درباره آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» به دست آورد. مفسران از کلمه «قَوَّامُونَ»، نوعی ولایت، سلطنت و سرپرستی بر زنان و متکفل شدن امورات آنها را برداشت کرده‌اند. از بحث‌های انجام شده درباره این آیه، دو بحث خروج زن از منزل و اشتغال به کار در قلمرو موضوعی شرطیت اذن زوج در فعالیت سیاسی زنان قرار می‌گیرد. بدین گونه که شرکت زن در راهپیمایی‌ها، نماز جمعه، برنامه‌های تبلیغاتی کاندیداها و رأی دادن در انتخابات و نیز اشتغال به کار زن در امور و مناصب سیاسی، جزء مصادیق آن است.

با توجه به نظر فقها و روایات معتبری که درباره خروج زن از منزل در فقه امامیه وارد شده است، به نظر بیشتر فقهای امامیه این روایات برای زوجه حق دومی در عرض حق استمتاع ثابت می‌کند که براساس آن، خروج زن از منزل شوهر بدون اذن شوهر حرام است. البته برخی از فقها، با احراز شرط هدف ضروری یا زورگویانه بودن حرف شوهر، شرطیت اذن زوج را ملغی دانسته‌اند. بنابراین، زن برای شرکت راهپیمایی‌ها و یا رأی دادن در انتخابات که منوط به خروج او از منزل است، نیاز به اذن شوهر دارد و فرقی میان مواقع حساس و بحرانی کشور و نظام اسلامی یا شرایط عادی وجود ندارد، اما طبق فقه السیاسات امام خمینی و نیز نظر برخی از فقها، رأی دادن زن جزء قلمرو شرطیت اذن زوج قرار نمی‌گیرد.

علمای حنفی در بحث خروج زن از منزل، قائل به حق حبس زوجه برای مرد هستند. از نظر آنها حتی خروج زن برای حج واجب بدون محرم، حرام است چه رسد به فعالیت‌های سیاسی. آنها فقط برای زنی که در کشور کفار حربی مسلمان شده و بدون محرم است، استثنا قائلند شده‌اند که در این صورت سفر و خروج زن را واجب می‌دانند. اما بحث شرکت کردن زن در احزاب سیاسی و پایگاه‌های انتخاباتی کاندیداها و نیز احراز پست و مقام سیاسی در قلمرو مصادیقی حق اشتغال زن در آیه قوامه قرار می‌گیرد. فقهای امامیه مسئله

اشتغال به کار زوجه را قطع نظر از حکم بیرون رفتن از منزل، از دو جهت بررسی کرده‌اند: اشتغال به کار در داخل منزل؛ اشتغال به کار در خارج از منزل، که این دسته خود به دو قسمت تقسیم می‌شود:

اول) کار آزاد و بدون قرارداد: در صورت منافی با حق شوهر یا فرزندان و یا وجود مفسده، شوهر حق منع زن را دارد. شرکت کردن زن در احزاب سیاسی و پایگاه‌های انتخاباتی کاندیداها و کارهای تبلیغاتی نامزدها، جزء این قسمت است.

دوم) عقد قرارداد کار قبل و بعد از ازدواج: احراز پست و مقام سیاسی زن در این قسمت قابل بحث است. مشهور فقها عمل به قرارداد کار را در فرض تقدم آن بر ازدواج لازم الاجرا می‌دانند و در فرض اقدام قرارداد کار پس از ازدواج، برخی فقها آن را در ساعات عدم اراده استمتاع توسط زوج و ساعتی که شوهر غایب است (برای مثال خود در محل کار است و یا به مسافرت می‌رود)، صحیح می‌دانند و برخی دیگر، نیز صحت قرارداد کار را منوط به اذن شوهر می‌دانند؛ زیرا معتقدند حق استمتاع مطلق است، اما علمای حنفیه با اشتغال زنان، چه در منصب سیاسی با قرارداد کار، چه در فعالیت حزبی و تبلیغاتی سیاسی بدون قرارداد کار، مخالفند و به آیات و روایات متعدد که تسلط زنان بر مردان را مجاز نمی‌دانند و یا با روایاتی که دستور به حبس زنان در خانه و پرده پوشی می‌دهند، به این مطلب استدلال می‌کنند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه.
- ۱. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۹). مسند الامام احمد بن حنبل. بیروت: عالم الکتب.
- ۲. ابن عابدین (۱۴۱۵ الف). حاشیه رد المحتار. بیروت: دار الفکر.
- ۳. ابن عابدین، علاء الدین (۱۴۱۵ ب). تکملة حاشیه رد المحتار. بیروت: دار الفکر.
- ۴. ابوالسعود، محمد بن محمد (۱۴۱۹). تفسیر ابوالسعود. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۵. امین، سیده نصرت (بانوی اصفهانی) (۱۳۸۹). مخزن العرفان فی تفسیر القرآن. اصفهان: گلپهار.
- ۶. آلوسی، سید محمود (۱۴۲۰). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۷. بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ موسوی (۱۳۷۷). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
- ۸. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۹۱). الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۹. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۸۹). جامع الصحیح البخاری. تهران: شیخ الاسلام احمد جام.
- ۱۰. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۲۱). الجامع الصحیح سنن الترمذی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۱. الجزیری، عبدالرحمن، الغروی، سیدمحمد، و مازح، شیخ یاسر (۱۴۱۹). *الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت*. بیروت: دارالثقلین.
۱۲. جوادى آملی، عبدالله (۱۳۸۳). *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*. قم: نشر اسراء.
۱۳. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰). *منهاج الصالحین*. قم: مهر.
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷). *موسوعة الإمام الخوئی*. قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخویبی.
۱۵. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۱۳۷۶). *روض الجنان و روح الجنان*. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۶. رحمانی، امیر (۱۳۹۱). *بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر*. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۱۷. رهبر، مهدی (۱۳۸۸). *بررسی تطبیقی نظرات شیعه و اهل سنت در مورد اشتغال بانوان*. نشریه علمی-ترویجی بانوان شیعه، ۲۲ (۶)، ۴۵-۶۶.
۱۸. زمخشری، محمود (۱۳۷۳). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. قم: نشر البلاغه.
۱۹. سایت پاسخ به سؤالات فقه و معارف اسلامی جامعه الزهراء <http://www.pasokhbesolat.ir> (۱۳۹۵).
۲۰. السرخسی (۱۴۱۴). *المبسوط*. بیروت: دارالمعرفة.
۲۱. السمرقندی، علاءالدین (۱۴۱۴). *تحفة الفقهاء*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۲. شیر، سیدعبدالله (۱۳۹۳). *تفسیر قرآن کریم*. تهران: اسوه.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۱). *التبیان فی تفسیر القرآن*. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. تهران: المطبعة الحیدریه.
۲۷. طهماز، عبدالحمید محمود (۱۴۳۰). *الفقه الحنفی*. دمشق: دارالقلم.
۲۸. طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلام.
۲۹. فیض کاشانی، ملاحسن (۱۳۷۳). *تفسیر الصافی*. تهران: مکتبه الصدر.
۳۰. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۷). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.
۳۱. القشیری النیسابوری، لابی الحسین مسلم بن الحجاج (۱۴۱۸). *صحیح مسلم*. بیروت: عالم الکتب.
۳۲. کاشانی، ابی بکر (۱۳۸۷). *البدائع الصنائع*. قم: تیبیان.
۳۳. کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۰). *تفسیر المعین*. قم: کتابخانه آیتالله مرعشی نجفی.
۳۴. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۹). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار*. مترجم: خسروی، موسی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. المصری، ابن نجیم (۱۴۱۸). *البحر الرائق*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۶. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴). *الکاشف*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷). *استفتائات جدید*. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*. قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت علیهم السلام.
۳۹. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*. قم: دارالعلم.
۴۰. نجفی، محمدحسن (۱۳۷۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۵). *سنن النسائی المسمى بالمجتبی*. بیروت: دارالفکر.
۴۲. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۶). *ضوابط شرعی اشتغال بانوان*. نشریه پیام حوزه، ۱۴ / <https://hawzah.net/fa/Magazine>.
۴۳. یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (۱۳۸۰). *العروة الوثقی مع تعالیق الإمام الخمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.